

سیری در

مجموعه نظریات

شورای نگهبان

محسن کدیور

مجموعه نظریات

شورای نگهبان

دوره اول

از تیرماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۵

تنظیم و توضیحات از:

دکتر حسین مهرپور

قانون اساسی است. این شورا بر انتخابات نیز نظارت دارد. (۱) در اولین قانون اساسی ایران (۱۲۸۵ و متمم آن ۱۲۸۶) ارگان خاصی برای کنترل مصوبات قوه مقننه نسبت به قانون اساسی پیش بینی نشده بود. طبق اصل نود و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی جهت ایفای این مهم شورای نگهبان پیش بینی شده است، که مبتنی بر روش کنترل به وسیله ارگان سیاسی است.

* ۲ - از آنجا که در یک کشور اسلامی قوانین مصوب می باید هماهنگ با قواعد و قوانین شرعی باشد، در اصل دوم متمم قانون اساسی ایران (۱۲۸۶ ش) آمده است:

«باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفت با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام(ص) نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام - ادام الله برکات وجود هم - بوده و هست. لذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع

مجموعه نظریات شورای نگهبان: دوره اول از تیرماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۵. تدوین و نگارش دکتر حسین مهرپور. (چاپ اول: تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱). ج ۱، ص ۲۳۳، وزیری.

* ۱ - اصل بر این است که کلیه قوانین مصوب یک کشور با قانون اساسی آن هماهنگ باشد. برای تضمین این عدم تعارض، مسأله کنترل قوانین توسط یک مرجع با صلاحیت مطرح می شود. فارغ از افکار عمومی و اراده ملی که بزرگترین و قویترین پشتیبان قانون اساسی به شمار می رود، در این باب دو روش عمده در قوانین اساسی دنیا به چشم می خورد: اول: روش کنترل به وسیله دستگاه قضائی. بر مبنای این روش به قوه قضائیه حق داده می شود که در عین حال که خود مجری بخشی از قوانین مصوب قوه مقننه است، ناظر بر انطباق آن با قانون اساسی تیر باشد. این شیوه مأخوذ از حقوق ایالات متحده آمریکا است. دوم: روش کنترل به وسیله ارگان سیاسی. این روش منطبق با دکتترین حقوق فرانسه است. بر این اساس «شورای قانون اساسی» عهده دار بررسی انطباق قانون عادی با

از مقتضیات زمان هم باشند ... موادی که در مجلس عنوان می‌شود بدقت مذاکره و غوررسی نمود، هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان حضور حضرت حجت عصر - عجل الله فرجه - تغییر پذیر نخواهد بود.»

در قانون اساسی جمهوری اسلامی عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان نهاده شده است. طبق اصل چهارم کلیه قوانین و مقررات می‌باید بر اساس موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به عهده شورای نگهبان است. اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی کیفیت ترکیب و محدوده اختیارات شورای نگهبان را مشخص می‌کند. وظائف اصلی شورای نگهبان عبارت است از: ۱- نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از لحاظ عدم مغایرت آنها با قانون اساسی و موازین شرع اسلام (اصل ۹۱ و ۴) ۲- تفسیر قانون اساسی (اصل ۹۸) ۳- نظارت بر انتخابات (اصل ۹۹). شورای نگهبان طبق دیگر اصول قانون اساسی و نیز تفسیری که خود بر بعضی از این اصول کرده است، نه وظیفه فرعی دیگر نیز به عهده دارد. پیش‌بینی اصل شورای نگهبان در قانون اساسی با رعایت ضوابطی می‌تواند یکی از نقاط قوت آن باشد.

* ۳- آراء قانون شورای نگهبان را می‌توان بر سه قسم تقسیم کرد: ۱- آرائی که در ارتباط با مصوبات مجلس شورای اسلامی ابراز می‌شود ۲- آرائی که فقهای شورا در رابطه با دیگر قوانین از لحاظ مغایرت آنها با موازین شرع اسلام اعلام می‌دارند. این بخش خود بر سه قسم است: اول: اظهار نظر در مغایرت یا

عدم مغایرت آیین‌نامه‌های دولتی با موازین شرع پس از ارجاع دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده ۲۵ دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ۱۳۶۰). دوم: تشخیص انطباق یا عدم انطباق قوانین جاریه کشور با موازین اسلامی (قوانین قبل از انقلاب یا شورای انقلاب بر اساس تفسیر و برداشت شورای نگهبان از اصل چهارم قانون اساسی مشمول این قسمت است). سوم: نظریاتی که در پاسخ استعلامات حقوقی مسئولین اجرائی کشور ابراز شده است. ۳- آراء تفسیری در ارتباط با تفسیر بعضی از اصول قانون اساسی.

مجموعه آراء شورای نگهبان در روزنامه رسمی کشور درج می‌شود. جای آن داشت که دبیرخانه شورای نگهبان خود به جمع‌آوری و تبویب مجموعه آراء این شورا اقدام می‌نمود، که متأسفانه این مهم تاکنون صورت نگرفته است. در زمستان ۱۳۶۹، اداره کل قوانین و مقررات کشور (ریاست جمهوری) با توجه به نقش مهمی که نظریات شورای نگهبان در امر قانونگذاری دارد، اقدام به جمع‌آوری و ارائه آنها در دو جلد در ۱۳۷۲ صفحه کرد. این مجموعه شامل ۴۳۴ نظریه شورای نگهبان است که از سال ۱۳۵۹ تا پایان سال ۱۳۶۸ نسبت به لوایح و طرحهای قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی یا در پاسخ به سؤالات مسؤولان کشور اعلام نموده است. در این مجموعه سه فهرست تفصیلی راهنما در ۷۶ صفحه، یافتن آراء را بسیار آسان می‌کند: ۱- فهرست تاریخی ۲- فهرست موضوعی (بر اساس ۷۴ موضوع) ۳- فهرست نظریات بر اساس اصول قانون اساسی. از طرف همین اداره مجموعه نظریات تفسیر شورای نگهبان نیز در یک جلد منتشر شده است. در مجموعه مذکور در هر مورد ابتدا نظریه شورای نگهبان و سپس متن لایحه، طرح یا

موضوع مورد سؤال، قرار گرفته است.

*۴- حدود یک سال و نیم پس از انتشار مجموعه فوق، آقای دکتر حسین مهرپور از حقوقدانان شورای نگهبان اقدام به جمع آوری تنظیم و توضیح آراء شورای نگهبان کرده است که توسط انتشارات کیهان تحت عنوان مجموعه نظریات شورای نگهبان چاپ شده است. این مجموعه دو جلدی شامل نظریات دوره اول شورای نگهبان (از تیر ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۵) است که فعلاً تنها جلد اول آن در ۴۲۱ صفحه، آراء شورای نگهبان را تا تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۱ در برمی گیرد. این مجموعه شامل یک مقدمه و سه بخش است: مقدمه، شامل توضیحات مفیدی درباره جایگاه شورای نگهبان در جمهوری اسلامی، وظایف آن و کیفیت گردآوری آراء این شورا است. بخش اول، نظریات شورای نگهبان در رابطه با مصوبات مجلس شورای اسلامی؛ بخش دوم، آراء تفسیر شورای نگهبان در رابط با اصول قانون اساسی؛ بخش سوم، نظریات فقهای شورا در رابطه با قوانین سابق. کتاب حاضر ارائه کننده نیمی از بخش اول است و نیمه دوم بخش اول و دو بخش اخیر به جلد دوم کتاب موکول شده است. در مقدمه کتاب وعده داده شده است که نظریات دوره دوم در مجموعه های بعدی منتشر خواهد شد. مبنای نقل نظریات در هر بخش ترتیب تاریخی است، ولی در هر مورد پس از نقل نظریه اگر در ارتباط با آن بحث و اظهار نظر ادامه پیدا کرده باشد، تا تکمیل و اتمام مطلب موضوع دنبال شده است. در نتیجه نظریاتی که در تاریخهای مؤخر اعلام گردیده، به طور متصل ذکر شده است تا مطلب ناقص نماند. به نظر مؤلف محترم: هدف اصلی، انعکاس و انتشار نظریات شورای نگهبان است ولی چون در برخی از موارد برای تبیین نظر شورا، توضیحاتی لازم دیده می شد، در همین حد توضیحاتی داده شده است، این

توضیحات در واقع تبیین نظر اکثریت شورا است که اعلام شده و از اظهار نظر شخصی حتی الامکان پرهیز شده است... به هر حال در این مقام خود را مسئول سداد یا عدم سداد آنها و یا ذی صلاح در مدافع یا مخالف آن بودن نمی دانم.» (مقدمه، صفحه سی و سه). مؤلف محترم در مورد آراء متعارضی که در سیر نظریات شورای نگهبان ممکن است به چشم بخورد، توجه هایی اندیشیده است؛ از جمله تغییر اکثریت اعضا و تغییر دوره ای برخی از اعضا.

*۵- مؤلف محترم در مقدمه کتاب هیچ اشاره ای به دو جلد مجموعه نظریات شورای نگهبان که قبلاً توسط اداره کل قوانین و مقررات کشور منتشر شده بود، نکرده است. به هر حال امتیازات کتاب آقای دکتر مهرپور نسبت به مجموعه یاد شده در چند نکته است:

۱- دنبال کردن موضوع تا تکمیل و اتمام مطلب. «مثلاً اگر شورای نگهبان در دی ۱۳۵۹ نسبت به قانونی اظهار نظر نموده و به مجلس اعاده نموده است و مجلس اصلاحاتی در آن بعمل آورده و پس از سه ماه به شورای نگهبان ارسال شده است و مجدداً شورای نگهبان اظهار نظر نموده و تجدید نظر و اصلاح قانون را لازم دانسته و به مجلس باز گردانده است و مجلس برای بار دوم در مقام اصلاح برآمده و مصوبه اصلاحی خود را به شورای نگهبان فرستاده است، تمام این مراحل پی در پی ذکر شده و تا رسیدن به نتیجه قطعی که سرانجام تصویب قانون از سوی مجلس و تأثیر شورای نگهبان و یا احیاناً مسکوت ماندن آن یا خروج از دستور کار مجلس می باشد، موضوع پیگیری شده است.» (۲)

۲- تفکیک مطالب بر اساس دوره های شورای نگهبان.

۳- توضیحات مختصر مؤلف که در مقام تبیین و

رفع اشکالات است در بسیاری موارد راهگشاست.

۴ - تفکیک بین آراء شورا در رابطه با مصوبات مجلس شورای اسلامی و آراء شورا در رابطه با دیگر قوانین و مقررات کشور.

۵ - چاپ این کتاب نسبت به مجموعه دو جلدی یاد شده چشم نوازتر است. چرا که در کتاب دکتر مهرپور، مطالب حروفچینی شده، حال آنکه در مجموعه اداره کل قوانین و مقررات کشور متن اظهار نظرها گراور شده است.

۶ - این کتاب جهت استفاده عموم مناسبتر از مجموعه یاد شده است.

۷ - مقدمه کتاب حاوی اطلاعات نافی است.

اما امتیازات مجموعه دو جلدی نظریات شورای نگهبان نسبت به کتاب دکتر مهرپور عبارت است از:

۱ - دو فهرست موضوعی و فهرست نظریات بر اساس اصول قانون اساسی.

۲ - این مجموعه، بالفعل کاملتر از کتاب مذکور است؛ چرا که شامل تمام آراء غیر تفسیری دوره اول و نزدیک به دو سوم دوره دوم شورای نگهبان است و با اضافه کردن مجموعه آراء تفسیر که اخیراً چاپ شده است، استفاده از این مجموعه فعلاً کارآیی بیشتری دارد. به این امید که مؤلف محترم بقیه مجلدات را بسرعت تهیه و منتر نمایند.

*۶- «مجموعه نظریات شورای نگهبان» از چند جهت می تواند مورد استفاده قرار گیرد: اول: در تدوین قوانین از جهت انطباق با موازین شرعی و قانون اساسی مورد مراجعه تهیه کنندگان پیش نویس لوایح و طرحهای قانونی، از جمله دستگامهای اجرائی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و نتیجتاً تصویب قوانین را سرعت بخشد. دوم: این مجموعه برای قضات و وکلای دادگستری، اساتید و دانشجویان

و صاحب نظران و علاقمندان حقوق مفید است. سوم: این مجموعه و مجموعه های مشابه آن فوائد فقهی فراوان دارد. و این مسأله نوعاً مورد غفلت واقع شده است. انتظار آن بود که این مجموعه بسیار زودتر از اینها چاپ شود. جالب اینجاست که مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی با چند روز تأخیر در روزنامه رسمی کشور چاپ شده و بتدریج به صورت مستقل نیز منتشر می شود. اما مشروح مذاکرات شورای نگهبان که قطعاً اهمیت فراوانتری از مذاکرات مجلس دارد، تاکنون چاپ نشده است. ظرائف فقهی و حقوقی که از جانب فقها حقوقدانان گزیده در این شورا مطرح شده است، رهگشای بسیاری از معضلات و مشکلات علمی، فقهی و حقوقی می تواند باشد. اگر آنچه به عنوان تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی از سوی شورای نگهبان اعلام شود، در حکم قانون اساسی و همان اعتبار را دارد. (۳) چرا نباید مشروح مذاکراتی که به این تفسیر انجامیده است، مانند مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی و مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی منتشر شود؟ اگر چنین مجموعه ای در اختیار بود، بی شک ارزیابی استنادها و استدلالهای حقوقی و فقهی مهمترین رکن قانونگذاری کشور بسیار آسانتر می شد. امیدواریم دبیرخانه شورای نگهبان هر چه زودتر نسبت به انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان اقدام کند.

سخن در فوائد فقهی «مجموعه نظریات شورای نگهبان» بود. می دانیم فقه شیعه به دلائلی چند، از جمله دوری از حکومت، در مسائل اجتماعی راهی دراز در پیش دارد. صبغه «فردی» خصیصه اصلی فقه موجود ماست. (۲/۱) موضوعات جدید سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و علمی کمتر مورد مذاقه و

بررسی واقع شده و با تتبع احکام آن کمتر مورد ژرفنگری و استخراج بوده است. به لحاظ آنچه یاد شد اجتهاد فقهای ما با اتکای به ادله فقهی، کاری به پیامدهای فتوا یا هماهنگی یک فتوا با مجموعه احکام شرعی گذشته نداشته است. مآلاً اینکه نظام مجری فتاوی فقها و مجتهدین احکام در هنگام اجرا با چه مشکلات و نابسامانیهایی دست و پنجه نرم خواهد کرد، هرگز دغدغه یک فقیه نبوده است. لذا مسائل فرضی و دور از ابتلاء بسیاری در فقه ما مطرح شده، و اذهان فقها را به خود مشغول داشته است. اما مهمترین مسائل مورد ابتلای جامعه گاه مورد غفلت واقع شده است.

تأسیس جمهوری اسلامی، فرصتی مناسب برای فقه شیعه ایجاد کرد که با توجه به منابع غنی و روش مجرب خود با مسائل اجتماعی دست و پنجه نرم کند و نقصان عظیم خلأ احکام اجتماعی اسلام را پر کند. چه بسا حوزه‌های علمیه، مراجع و علمای حوزه‌های هنوز آنچنانکه شاید و باید اهمیت ضرورت پرداختن به این مهم را درک نکرده باشند. اما نهادهای فقهی نظام اسلامی از قبیل رهبری، شورای نگهبان، شورای مصحت نظام، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری، قوه قضائیه و... بی شک در لمس مشکلات اجرائی یک نظام نو پا بیش از هر کسی دیگری به این مهم واقفند. در این میان فقهای شورای نگهبان جایگاهی ویژه دارند. وظیفه خطیر انطباق قوانین عادی با شرع انور حساسترین و مقدسترین وظائف محسوب می شود. قوانینی که در دستور کار شورای نگهبان قرار می گیرد، از قبیل مسائل مألوف حوزه‌ها نیست، بلکه زنده ترین و حیاتی ترین مسائل اجتماعی یک نظام است که می باید با موازین شرعی ارزیابی شود. موازینی که قرن‌هاست صیقل نخورده و احکام اولیه‌ای که فارغ از حیات اجتماعی و حکومت اسلامی مورد

استنباط و اجتهاد واقع شده است. بی شک بعضی مصوبات مهم مجلس با چنین معیاری خلاف شرع تلقی می شود. در ذهن مسئولین اوایل دهه شصت چنین سؤالی خلجان می کرد: آیا با این تلقی از شرع می توان جامعه را اداره کرد؟ این نکته را در نامه تاریخی رئیس مجلس وقت به حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در تاریخ ۵/۷/۱۳۶۰ به نحوی می توان مشاهده کرد^(۴)، در چنین شرایطی نگاهها به احکام ثانویه معطوف می شود و مسأله «ضرورت» مطرح می گردد. این مسأله هر چند در فقه ما سابقه داشته و مورد بحث و فحص قرار گرفته، اما در این مرحله وارد صحنه اجتماع می شود. و این آغاز مرحله دوم تطوّر فکری فقه حکومتی ماست. ضرورت را چگونه تشخیص دهیم؟ ملاکهای عمومیت ضرورت نوعی چیست؟ اینها و جز اینها سؤالاتی میمون و مبارکی است که کم کم جوانه می زند. مجلس شورای اسلامی که مرجع تشخیص ضرورت تعیین شده است، با اکثریت نسبی در جهت تشخیص ضرورت عمل می کرده است، پس از مدتی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه ملاک تشخیص ضرورت را به سه چهارم نمایندگان مجلس ارتقاء می دهد. نحوه برخورد فقهای متعبد شورای نگهبان که به حکم اولی دلبسته اند با قوانین جدید در این مجموعه خواندنی است. حکم ثانوی، اگر چه شرعی است و متبع، ولی به هر حال مادام الضروره و الحرج است به هر حال ماندنی نیست، با حکم ثانوی و ضرر و حرج و اضطراب چند صباحی نظم فقهی سامان می یابد اختلافات طبیعی شورای نگهبان با مجلس یا مسئولین اجرایی کشور در این وادی سبب خیر می شود. حضرت امام-رضوان الله تعالی علیه- بارها این مهم را به فقهای شورای نگهبان یادآور می شوند؛ اما برآستی با فقه موجود، سخن همان بود که فقهای شورای نگهبان بر آن پای می فشردند.

یعنی احکام اولیه بر مبنای اجتهادات مألوف و حداکثر در بعضی موارد احکام ثانویه توانی بیش از این نداشت و خروج از این دور بسته به شجاعت علمی بیش از اینها نیاز داشت. بدین ترتیب مرحله سوم سیر تطور تفکر فقهی در جمهوری اسلامی آغاز می شود.

حکم حکومتی به عنوان حکم اولی شرعی وارد صحنه می شود. آنان که با فقه شیعه آشنایند، می دانند حضرت امام-رضوان الله تعالی علیه- در این وادی گام بلندی برداشت، توجه به عنصر زمان و مکان در اجتهاد و توجه به مصلحت نظام به عنوان یک امر شرعی، ره آورد این مرحله است. انتظار آن بود که فقهای شورای نگهبان این ملاک را نیز به میزانهای خود بیفزایند و طبق قانون اساسی، خود عهده دار این مهم شوند. چرا که پرسیدنی است چه کسی گفته است که مراد از اسلام در اصل چهارم و نودویکم قانون اساسی منحصر در حکم اولی (غیر حکومتی) و حکم ثانوی است؟ ولی گویی که این الفت ذهنی با تلقی سنتی و فرمدارانه از احکام شرع اجازه نمی داد خارج از این محدوده را هم دین بدانیم. به هر حال شورای مصلحت نظام این مهم را به عهده می گیرد. در این مقام مناسب است چند سطری از نامه امام خمینی-رضوان الله تعالی علیه- را در ارتباط با شورای مصلحت نظام در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۶۷ متذکر شدیم:

«تذکر پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می دهم که خودشان قبل از این گیرها مصلحت نظام را در نظر بگیرند. چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیریهاست. حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می کند و با این بحثهای

طلبگی مدارس که در چهارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن بستهایی می کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد و خدا آن روز را نیاورد، باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای نکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت در اداره جهان نگردد.» (۵)

فقه ما در حل مسائل و مشکلات اجتماعی هنوز در خم اول کوچه است، ضوابط مصلحت نظام چیست؟ از تجربه فقه اهل سنت و جماعت درسها و عبرتها باید گرفت. غنای فقه شیعی پشتوانه ای است که با مجاهدت و بصیرت فقهای آگاه به زمان-ان شاء الله- به بار خواهد نشست.

به هر حال مطالعه دقیق آراء شورای نگهبان ما را با سیر تطور فقهی دهه اول عصر جمهوری اسلامی و اولین کوششهای فقه شیعه در مسائل قانونی و اجتماعی آشنا می کند. میزان توفیق یا عدم توفیق فقهای شورای نگهبان و ریشه یابی آن مقال و مجالی دیگر می طلبد. این مجموعه مقدمه مفیدی است بر عواملی که منجر به آراء نهایی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در باب اجتهاد و روش حوزه ها شد. توجه به آراء فقهی شورای نگهبان و بررسی علمی آن در مجامع علمی، دروس خارج حوزه های علمیه از سوی علما و فضلا و طلاب حوزه ها کمترین کمکی است که از ایشان در رابطه با نظام اسلامی انتظار می رود.

*۷- در پایان بعضی از آراء مهم شورای نگهبان در این مجموعه به عنوان نمونه ذکر می شود و جهت پرهیز از اطاله کلام از توضیح و تشریح در می گذریم و تنها به ذکر عناوین بحث و توضیحی مختصر اکتفا می کنم.

یک: نظر شورا در باب طرح قانونی اراضی شهری مورخ ۱۳۶۰/۵/۲۹، به قول مؤلف کتاب: «اصل مصوبه که یکی از قوانین بحث انگیز و پر سر و صدای مجلس شورای اسلامی بود موجب ورود عامل جدیدی بنام «ضرورت» در سیستم قانونگذاری باشد. یعنی روی آوردن به «احکام ثانویه». حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در پاسخ ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ حد و مرز استناد به ضرورت را تعیین می‌کنند. سیر بحث پس از نظر کلیدی حضرت امام از سوی شورای نگهبان و مجلس خواندنی است. (۶)

دوم: نظر شورا در مورد لایحه حدود و قصاص و مقررات آن مورخ ۱۳۶۱/۵/۳۰ مبنی بر اینکه که قانون نمی‌تواند میزان تعزیر را معین و مشخص نماید یا قاضی را ملزم نماید که در همان محدوده مشخص شده از جانب قانون میزان تعزیر را تعیین کند. (۷)

سوم: نظر شورای نگهبان در مورد طرح الزام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به ارسال کلیه قوانین مورد عمل به شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۱/۶/۱۳. (۸)

چهارم: نظر شورای نگهبان در مورد طرح قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کشوری مورخ ۱۳۶۱/۷/۱. (۹)

پنجم: نظر شورای نگهبان در مورد لایحه متمم قانون بودجه سال ۱۳۶۱، مورخ ۱۳۶۱/۹/۱ که متعاقب آن شورا به این نحو اظهار نظر می‌کند: «با توجه به فتوای حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه چون بر حسب تحقیقاتی که انجام شده سرمایه بانک مرکزی ملک دولت است، استقراض دولت از بانک مرکزی قرض ربوی محسوب نمی‌شود.» (۱۰)

ششم: نظر شورا در مورد طرح قانونی احیاء و واگذاری اراضی مزروعی مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۸.

مؤلف پس از ذکر قانون مجلس می‌نویسد: این مصوبه مجلس هم از جمله مصوبات بحث برانگیز مجلس بود که مجلس اول و دوم را به خود مشغول داشت و سرانجام هم تاکنون به تصویب نهایی نرسیده است و مسکوت مانده و یکی از اشکالات عمده‌ای که فقهای شورای نگهبان بر آن داشتند، این بود که محدود کردن سلطه مالک در زمینی که ملک شرعی و قانونی اوست و آن را گرفتن و به دیگری واگذار کردن که به عنوان ضرورت در این طرح مطرح گردید، هنگامی می‌تواند محل شرعی داشته باشد که مجلس ضرورت فعلی آن را، آن هم در سراسر کشور تشخیص بدهد. به دنبال اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس، حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه ملاک تشخیص ضرورت را دو سوم نمایندگان مجلس قرار دادند و نمایندگان مجلس را به توجه و دقت بیشتر در مصوباتی که عنوان ضرورت و حکم ثانویه دارد دعوت کردند. دنباله بحث پس از نظر امام خواندنی است. (۱۱)

هفتم: نظر شورا در مورد لایحه قانونی اصلاح موادی از قانون مدنی مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۴ از جمله در مورد سن رشد دختر. (۱۲)

هشتم: نظر شورا در خصوص لایحه راجع به قانون منع دریافت خسارات و جرائم و بهره مندرج در قانون تأمین اجتماعی مورخ ۱۳۶۲/۱/۲۹ که منجر به این نظر می‌شود: دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولتها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند، شرعاً مجاز است. (۱۳)

نهم: نظر شورا در مورد تفسیر قانونی موادی از قانون اراضی شهری مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۸ که پس از رفت و برگشتهای فراوان بالاخره مجمع تشخیص

مصلحت نظام در تاریخ ۱۶/۱/۱۳۶۷ نظر تفسیری مجلس شورای اسلامی را تأیید کرد. (۱۴)
 دهم: نظر شورای نگهبان در مورد لایحه تعزیرات مورخ ۱۰/۶/۱۳۶۲. رفت و برگشتها، ابلاغ قانون از جانب رئیس جمهور وقت پس از پایان مهلت قانونی، و نامه به امام و بالاخره اشکالات به متن لایحه از مطالب خواندنی کتاب است. (۱۵)

در پایان ذکر این نکته ضروری است که این مباحث با همه فراز و فرودهایش، شروعی مبارک و فتح بایی نیکو در فقه اجتماعی و سیاسی ماست، باشد تا با بصیرت ادامه یابد. ان شاء الله.

پاورقی

(۱) رجوع کنید به حقوق اساسی و نهادهای سیاسی: مبانی و کلیات. ابوالفضل قاضی. (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸). ج ۱، ص ۱۰۵ تا ۱۱۳.

(۲) مجموعه نظریات شورای نگهبان: دوره اول. حسین مهرپور. (تهران، انتشارات کیهان. ۱۳۷۱). ج ۱، مقدمه، صفحه سی و یک.

(۳) همان، صفحه سی.

(۳/۱) از جمله رجوع کنید به مقاله ارزشمند شهید سید محمدباقر صدر-ره- به نام همراه با تحول اجتهاد؛ جلد اول مجموعه مقالات آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، همراه با تحول اجتهاد، ترجمه اکبر ثبوت و... (تهران، روزبه ۱۳۵۹). ص ۱۱ تا ۱۶.

(۴) همان، ص ۷۳.

(۵) صحیفه نور، ج ۳۱، ص ۶۱.

(۶) مجموعه نظریات شورای نگهبان. دکتر حسین مهرپور، ص ۶۸ تا ۸۰.

(۷) همان، ص ۲۲۵ تا ۲۲۹.

(۸) همان، ص ۲۳۰، ۲۳۵.

(۹) همان، ص ۲۵۱ تا ۲۵۸.

(۱۰) همان ص ۲۶۵ تا ۲۶۶.

(۱۱) همان ص ۲۶۷ تا ۲۸۸.

(۱۲) همان ص ۲۹۲ تا ۳۰۳.

(۱۳) همان ص ۳۲۶ تا ۳۴۲.

(۱۴) همان ص ۳۸۶ تا ۳۹۷.

(۱۵) همان ص ۴۰۵ تا ۴۳۰.

